



خرده روایت هایی از همشهری هایمان که این روزها خادم زائران امام حسین (ع) هستند

گزارش روز

تیم روزنامه نگار

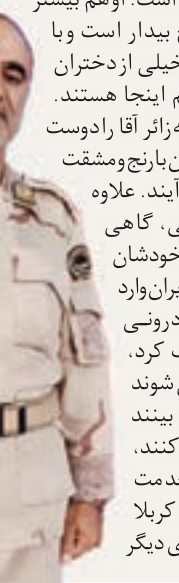
شدم جار و کش درگاه تو

بیشتر شبیه یک خواب است، هر روز صبح دستکش هایش را می پوشد، جابوی دسته بلندش را برمی دارد و درست خیابان روبه روی حرم حضرت علی^(ع) را جارو می کشد. در همه چهارده سال خدمت پاکبانی اش حتی چنین خوابی ندیده بود. یادش نمی آید هرگز این همه راه را بدون خستگی رفته و با عشق نظافت کرده باشد. شرح حالش شبیه چند روز زندگی در دنیای دیگر است: در همه پنجاه ساله که از خدا عمر گرفته ام، قسمت نشده بود بیایم زیارت کربلا و نجف. اصلا فکرش را هم نمی کردم، اما امسال انتخاب شدم. از روزی که آمدم میدان ساعت، روبه روی سوق الکبیر محل خدمت من است. غلامحسین کاووسی تا چند روز پیش پاکبان منطقه ۲ شهرداری مشهد بود و حالا همراه با گروه خدمت رسانی، مسیر عبور زائران حرم نجف را نظافت می کند. لحن صدایش، سادگی و صداقت را فریاد می زند. ناگفته پیداست که حال و هوای درونش عالی است و خودش هم توان توصیفش را ندارد، اما با همه کلماتی که به ذهنش می رسد، سخن

می گوید: بهترین حس را وقتی دارم که هر روز از هتل بیرون می آیم و راه می اقم سمت حرم حضرت علی^(ع). وقتی فکر می کنم که باز قرار است روبه روی حرم کار کنم، دلم از خوش حالی پر می شود. بهترین حال من همان دقایق است. خستگی نمی دانم چیست. اصلا احساس می کنم آمده ام تفریح و شبیه کار نیست. می گفتند هوا گرم است. برای من که گرم نبوده است. هرچه هست، هوای عالی است و حال خوب. کمی مک می کند و درباره بهترین لحظات شرح می دهد: از اینکه اینجا خدمت می کنم، بی نهایت خوش حالم. خوش حالم که این افتخار نصیب شده است و طلبیده شده ام که روبه روی حرم امام خودم را نظافت کنم. واقعا خوش حالی از این بهتر سراغ ندارم. تنها کاری که این لحظات یادم می آید، این است که نایب الزیاره

«سومین سالی است که در موکب خدمت می کنم. کربلا هم رفته ام، اما به جز ایام اربعین. ایام شهادت امام حسین^(ع) عاشق این هشتم که پشت مرز بمانم و از زائران پذیرایی کنم،» سرهنگ جواد قربانی از آدم های کارراه انداز و کاربلد موکب مرزبانی استانمان است که در این روزها خادم زائران است. چهل و شش ساله است و اصالتا از اهالی باخرز، اما جانشین عملیات هنگ مرزی تایباد. موکب الحسین^(ع) شهدای فرجا در حسینییه شهید سردار سلیمانی کنار گرمک دوغارون مستقر است. سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ هم همین بود. موکب آن ها هر سال دو هفته قبل از اربعین کارش را شروع می کند. در حالی که همه نگاه ها به سوی مرز مهران است و زائران آن سو، گروه مرزبانی حواسشان به زائرانی که از سوی افغانستان به ایران می آیند تا خودشان راه کربلا برسانند، بوده و هست. قربانی درباره نحوه پذیرایی از زائران و زمان ورودشان توضیح می دهد: امسال پیش بینی شده است ۵۰ هزار نفر از مرز دوغارون وارد ایران شوند. مثلا همین دیروز ۱۸ هزار نفر از راه رسیدند. کمی استراحت می کنند و بعد سوار اتوبوس ها می شوند و به سوی مرز می روند. ما در همان لحظات کوتاه از زائران پذیرایی می کنیم. نماز جماعت می خوانند

و گاهی عزاداری کوتاهی می کنند و دوباره راه می افتند. دیشب ۲۵۰ نفر اینجا شب را به صبح رساندند. به جز نیروهای مرزبانی، سازمان های دیگر هم به یاری آن ها آمده اند مثل هلال احمر، بسیج و سپاه. بعضی ها با خانواده و فرزندان شان برای خدمت به زائران آنجا هستند. جناب سرهنگ پسرش را هم برای خدمت به زائران حسینی با خود همراه کرده است: پسرم کلاس هفتمی است. او هم بیشتر روزها ساعت ۶ صبح بیدار است و با من همراه می شود. خیلی از دختران و پسران خادمان هم اینجا هستند. آن ها خدمت کردن به زائر آقا را دوست دارند. مردم افغانستان بارنج و مشقت زیاد به این سفر می آیند. علاوه بر طی مسیر طولانی، گاهی تا ۱۰ ساعت پشت مرز خودشان می مانند تا بالاخره به ایران وارد شوند. حس و حال درونی را نمی شود توصیف کرد، اما وقتی وارد می شوند و پذیرایی ما را می بینند و برابریمان دعا می کنند، احساس می کنم خدمت به آن ها کمتر از زیارت کربلا نیست، این جمله های دیگر



خدمت به زائر ثوابش کمتر از زیارت نیست

همکارانم باشم. مسئولیت او و همکارانش در روزهای منتهی به اربعین تمیزنگه داشتن مسیر رفت و آمد زائران است. او هنگام کار چشم از زمین بر نمی دارد، اما خدمت کردن پاکبان ها از چشم زائران دور نمی ماند: برخورد زائران خیلی خوب است. مدام خدایوت می گویند. روی لباسمان نوشته است «مشهد برای حسین^(ع)»، برای همین زود می فهمند که چرا آمده ایم. گاهی التماس دعا دارند برای حرم امام رضا^(ع) و گاهی هم کمک می خواهند و درس می پرسند. هر چه از دستم بر بیاید، برای شان انجام می دهم. توفیق خدمتگزاری اش تمام نشده است. اربعین که تمام شود، هفته بعد با همکاران پاکبانش برمی گردد. مشهد. زائران حرم مسیریاهی منتهی به حرم آقا نظافت می خواهد.

دو هفته قبل از اربعین راه افتادند، اما مقصد، رسیدن به شهر کربلا نبود. ده ها کیلومتر جلوتر از حرم، یک گروه دوازده نفره با چهار خودرو آمبولانس کنار جاده مستقر شده اند. احمد ایازی، کارشناس فوریت های پزشکی اورژانس دانشگاه علوم پزشکی مشهد، به نمایندگی از یک گروه امدادی با ما سخن می گوید، در حالی که در پنجاه کیلومتری مرز مهران مستقر هستند: یک گروه اورژانس دیگر هم چند روز پیش اعزام شد و کمی دورتر از اینجا مستقر است. وظیفه ما این است که پیگیر سلامت زائران مسیر کربلا باشیم. اگر خدای نکرده حادثه یا تصادفی رخ بدهد، اعزام می شویم و غیر از آن، مدام پاسخگوی مراجعان حضوری هستیم. ایازی از شیفت هایی یاد می کند که هجده ساعت در حال خدمت هستند و شش ساعت استراحت می کنند. برای پاسخ به اینکه «فقط کمی به سرزمین کربلا مانده است و آیا حسرت نمی خورد که کاش به جای کار امداد، همین حالا در حرم بود»، لحظه ای تردید نمی کند و می گوید: معلوم است که دوست داشتم

ضریح آقا را زیارت کنم، اما من همین حالا هم این سفر را زیارتی حساب می کنم. همان قدر برایم معنویت دارد. به خاطر همان عشق است که به مهمانان امام حسین^(ع) خدمت می کنم. ثواب این خدمت هم کمتر از زیارت نیست. من با درمان آدم هایی که فقط چند دقیقه اینجا توقف می کنند، همان حال خوب را پیدا می کنم. نیت انجام کارها مهم است. همه تلاشم را می کنم که به زائران کمک کنم. شاید سهم من از زیارت همین بوده است. با وجود اینکه دوازده سال از روزی که برای اولین بار این لباس را پوشیده است می گذرد، این نخستین تجربه او از حضور در گروه امداد زائران اربعین است. در همین چند روز استقرار چندین بیمار اعزام کرده اند و روزانه به ده ها

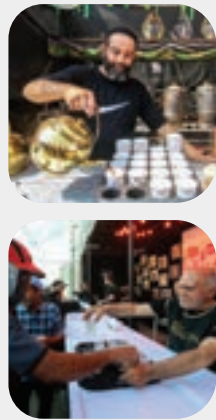


امسال به آرزویم رسیدم

برای زائران افغانستانی که امسال بیشتر از سال های قبل وارد ایران می شوند تا خودشان راه زیارت اربعین کربلا برسانند، این ایام مرز دوغارون بیش از همیشه آماده پذیرایی است. علاوه بر گروه مرزبانی و بقیه عوامل، گروهی هم از نیروهای ارتش آنجا مستقر شده اند. گروه درمان تیپ ۳۷۷ ارتش جمهوری اسلامی ایران با همراهی گروهی از پرسنل بهداشت و درمان تایباد کار درمانی زائران را به عهده دارند. ستوان دوم جواد سوقندی از آنچه بر موکب آنان می گذرد، می گوید: از روز هفتم و هشتم شهریور در اینجا مستقر شدیم. ورودی روزها متفاوت است. مثلا جمعه خیلی شلوغ بود. این شلوغی یعنی باید حواسمان به تعداد مراجعات باشد. خودش اهل نیشابور است و فعلا سه سالی باید در مرز خدمت کند. روان شناسی بالینی خوانده است و در کنار کادر درمان، کار مشاوره انجام می دهد: در گروه همکاران، پزشک وظیفه داریم پرستار و وظیفه، مردم برای

مشکلات جسمانی مراجعه می کنند و من هم کنار آن ها با زائران صحبت می کنم و گاهی همان چند کلمه برای ادامه راهشان کافی است و با امیدواری، به هم سفرانشان می پیوندند. او لحظات خوب دیدن آدم های این سوی مرز را برایمان شرح می دهد: مسیر آن قدر دوست داشتنی و زیباست که ماندن هر لحظه در آن برایمان شور و شغف دارد. دیدن آدم هایی که با خلوص نیت آمده اند و به راهی می روند که مسیر اباعبدالله^(ع) است، برای ما هم اثر روحانی دارد. گاهی در پاسخ به کمکی که می کنیم، از جیب یا وسایلشان خوراکی هایی که دارند را به ما می دهند. این دقایق حس عجیبی دارد. آن ها دوست دارند که ما

هستیم و ما هم دوست داریم آن ها باشند. برای سوقندی حضور در چنین مکانی و خدمت به زائران امام حسین^(ع) آرزوی همیشگی بوده است. دعایش این است که مهارتش را در راه آدم های آن مسیر خرج کند: در جریان مشاوره ها همیشه یکی از آرزوهایم این بوده که اگر کاری که انجام می دهم، مؤثر است، در مسیر دین باشد. امسال به آرزویم رسیدم و از دانسته هایم برای آرامش ذهنی و روحی زائران استفاده کردم. میان انجام کارها و خدمت به زائران، حواسش به حال و رفتار آنان هست. پای صحبت ها و درد دل هایشان می نشیند. همان چند کلامی که می گویند، سبک ترشان می کند برای ادامه زندگی. این یعنی خدمت کردن و در مرزی ندارد.



سعی بین عاشورا و اربعین



غلامرضا نبی اسدی

را نمی دانی، بی اعتنا و سرسری نباش، که انسان به خاطر محدودیتش، به وحی روی آورده است. بر فرض دستوری در میان نباشد، ادب و توجه تو بی بهره نمی ماند و تو را بهره مند می سازد. بدانیم که دنیا، عرصه امتحان و ابتلاست. وقتی حسین^(ع) را به کربلا می کشند، تکلیف ما ها را زایل تا بد معلوم است. واقعا تأمل برانگیز است که «بعضی ها خیال می کنند از رسول^(ص) و از علی^(ع) بالاترند، چون آن ها

کم به آل... محبت دارند، در اجرای احکام الهی هم پیشتر ازند. این خود متر و معیاری است که هم می شود افراد را با آن اندازه گرفت و هم جامعه را. به گفته استاد، «خیال نکن که معرفت و عشق و ولایت، تو را از عمل و بلاء جدا کند، که تو را مؤدب می سازد. عمل، میوه درخت معرفت است». این را باید امروز به صراحت گفت، آن هم به کسانی که می پندارند عمل به احکام و مناسک به عنوان بستر معارف چندان بر وزن شدن انسان اثر نمی گذارد. حال آنکه ما نسبت به احکام فردی و اجتماعی دین باید التزام داشته باشیم. نه تنها در برابر احکامی که فلسفه ای برای همه ما روشن است، بلکه «تو حتی در برابر احکامی که علنش

کم نیستند کسانی که نسبت به احکام دینی استعکام معرفتی ندارند. کمشان هم زیاد است، اما کم نیستند! برای سهل انگاری هم کلی توجیه می تراشد: کلی پژوهش فکری می دهند. کلی هم نگاه عاقل اندر سفیه را چنین به کلام می آورند که معرفت باید داشت، مناسک و احکام حکم دقیقی برای بندگی نیست. خدا در جرات استاد صفائی حائری را متعالی فرماید که در بزنگاه هایی چنین، می گفت «تو به همان اندازه که معرفت و محبت پیدا کنی، نسبت به احکام مستحبات یا نیند می شوی». یعنی این بی قیدی نیست. کمبود معرفت و محبت است. کسانی

یادداشت

تعریف شود، باید خود را با حضرت اومعنا کند. این هم فقط با عمل ممکن است. با خودمان به محاسبه بنشینیم. به قول استاد، در صفحه ۳۸ کتاب «نامه های بلوغ، «خدایی که عشق مقدس او حسین^(ع)، با هر تنفس و دم زند، فواره های خوش، از زیر حلقه های زرش به آسمان سر می کشید، چگونه از من که نور چشم شیطان هستم مرکب هایی هستند که با بلائی خدا و امتحان می کند؟ و چگونه مرا به ضیافت خویش می خواند؟! محاسبه ای چنین است که حساب کار را درست ما می دهد تا جوری در زندگی مان به دنبال حسین^(ع) باشیم که همه روزهایمان سعی بین عاشورا و اربعین باشد. ان شاء...

قالب های خدمت